

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

هر انسانی یا هر موجودی که به دنیا می‌آید، اول خیلی ضعف دارد. به تدریج ضعف‌ها برطرف می‌شود، قدرت‌هایش زیادتر می‌شود. همین بچه‌ی انسان را نگاه کنید، اول که به دنیا می‌آید چطور است؟ بعد تدریجاً بزرگ می‌شود و تا سن مشخصی موجبات بدن تکامل پیدا می‌کند. از یک سنی دیگر این بدن طاقت بار سنگین تری ندارد چون این روحی که در بدن دمیده می‌شود، مثل یک بار سنگینی است که باید این را حفظ کند.

این تکامل بدن هم تا جایی می‌رود که استطاعت و قدرت تحمل بارهای سنگینی که روح بر او بار می‌کند را، داشته باشد. این است که مثلاً زیست‌شناسان، دانشمندان علوم طبیعی می‌گویند تکامل انسان تا مثلاً بیست و پنج سالگی است، بعضی‌ها می‌گویند چهل سالگی است. ظاهراً همین‌طور است ولی همان مرد چهل ساله اگر تحمل یک انسانیت و روح قوی تری نداشته باشد که روحش قوی بشود، بدنش طاقت می‌آورد چون خیلی متداول هم هست می‌گوییم: دیگر صبر ندارم، دیگر از طاقتم خارج است، نخیر! هر ناراحتی و دردی که وارد می‌شود، خداوند تحمل می‌دهد.

همه‌ی این چیزهایی که می‌بینیم و می‌شنویم و می‌دانیم، در ما مؤثر است به اضافه‌ی آنهایی که نمی‌بینیم و نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم که چیست؟ یک چیزهای مجهول‌ی که البته برای اینکه ما بتوانیم حرفی راجع به این چیزهای مجهول بزنیم، به همه‌ی اینها اصطلاح شیطان گفتند یا اصطلاح ملائکه، فرشته که البته در واقعیت نحوه‌ی وجود از یک قماش هستند یعنی شیطان با فرشته‌ها آن خمیره‌شان از یکی هست. منتها خمیره‌ی فرشته از آتش صاف است یعنی وقتی که آتش دیگر دوده ندارد. فرشته‌ی شیاطین از آتشی است که در حال سوختن است و در حال سوزاندن است. این است که به ما هم گفتند در موقعی که یک ناراحتی‌هایی داریم که از منطقه‌ای است که خودمان نمی‌بینیم، نمی‌شناسیم، به شیطان به اصطلاح لعنت کنیم و از شر شیطان به خداوند پناه ببریم. البته این پناه بردن هم یک طوری است که خداوند همه‌ی این موجودات را که خلق کرده، فرشته هم خلق کرده، شیطان هم خلق کرده. آب خلق کرده، آتش هم خلق کرده که هم آب، آتش را از بین می‌برد هم آتش، آب را از بین می‌برد. این است که ما به خداوند پناه می‌بریم. از شر یک چیزی، یک موجودی که آن موجود را هم خودش آفریده. البته خداوند شر نمی‌آفریند، همانی هم که آفریده خیر است منتها خیر راجع به عالم خلقت. به ما یک نفر در آن عالم خلقت ضرر می‌زند، اذیت می‌کند. این است که ما از آن

به خدا پناه می‌بریم. حَتَّىٰ دَر قُلِّ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (سوره ناس، آیه ۱) و قُلِّ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (سوره فلق، آیه ۱) این پناه بردن به اینهاست از شیطان. قُلِّ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ می‌گوییم مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (سوره فلق، آیه ۲) یعنی از هر شَرِّی که آفریده. خداوند شر نیافریده، آن برای ما شر است. مار برای ما شر است، عقرب شر است، از شَرِّ آنها به خدا پناه می‌بریم ولی خداوند همان قدری که ما را خلق کرده، مار را هم خلق کرده. نه به آن اندازه ولی به او هم علاقه دارد، او را هم ننگه می‌دارد، ما را هم ننگه می‌دارد. ما به خداوند پناه می‌بریم از شَرِّ آن چیزی که خودش آفریده، نه از خودِ او. خودِ او مخلوق خداوند است مثل همه‌ی مخلوقات، شَرِّی اگر برای ما دارد، از آن شر به او پناه می‌بریم. یا یک چیزهایی از اوّل خداوند شر آفریده، از این هم پناه می‌بریم. البتّه اگر با قدرت روحی پناه ببریم، نه قدرت در مقابل غضب خداوند، قدرت در مقابل اینکه خداوند من را که آفریده (هر منی که آفریده) او نیرویی دارد، اختیاراتی دارد، با همه‌ی آن نیرو و آن اختیارات به خدا پناه می‌بریم. می‌گوییم: خدایا! اینها را تو خودت درست کن و خداوند درست می‌کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر سه‌شنبه، سوّم جمادی‌الثانی ۱۴۳۶ مطابق با ۱۳۹۴/۱/۴)

\*\*\*\*\*

ان شاء الله هر کدام مان تغییر را در خودمان احساس کردیم اگر با توجّه به خدا باشد، تغییر همیشه رو به تکامل است. اگر نه، از هوای نفس باشد، تغییر ممکن است پرت شدن از بالا به پایین باشد، یا یک پله، دو پله پایین‌تر باشد، همیشه تکامل نیست ولی ان شاء الله امیدواریم برای ما همه رو به کمال باشد، رو به تکامل باشد.

خودمان به حساب خودمان و به حساب جامعه‌مان رسیدگی کنیم. ما الحمدلله به حساب خودمان که امیدوارم همه رسیدگی کردیم و خیلی خوب بوده و نشانه‌های فلاح و رستگاری را در خودتان دیدید، ان شاء الله. از لحاظ اجتماعی هم مثل اینکه الحمدلله یک دریچه‌هایی به سمت آزادی و رهایی باز شده و دیدیم. البتّه این مدّت ما همه تحت فشار قرار گرفتیم ولی آن فشارها، فشارهای روانی مثل مشّت و مال است که در قدیم، در حَمّام‌های مردانه خیلی رسم بود من استفاده نمی‌کردم ولی یکی، دوبار که رفتم حَمّام عمومی استفاده کردم بعد از آن دیدم، یک آرامشی مثل اینکه تمام بدنم نرم است، قابل پرواز است. این فشارهایی که به ما آمده و به ما می‌آید، همه به منزله‌ی ماساژ است یا به منزله‌ی مشّت و مال است، ما را الان سرحال‌تر کرده. فقرا را به هم گرم‌تر کرده یعنی وقتی که استراحت می‌کنند، به فکر این سختی‌ها می‌افتند. تا ذهنشان می‌رسد در آن خاطرات به آزادی، آزاد شدن، احساس آسایش می‌کنند.

\*\*\*

بسیاری نامه‌ها را می‌بینم که نگران هستند از اینکه ازدواج نکردند و موجباتی فراهم نشده. البتّه خداوند بیشتر به زن‌ها نگاه می‌کند، وظایفی که تعیین کرده برای زن‌هاست. به خصوص زن‌ها از تأخیر و نبودن ازدواج بیشتر ناراحت هستند نه مردها. مردها حتّی گاهی با کمال میل و به اراده‌ی

خودشان اصلاً ازدواج نمی‌کنند اگر هم بعداً نگران می‌شوند، نگرانی از وضع زندگی‌شان است، نه از اینکه چطور شده. به هر جهت ما باید متوجه باشیم در هر سنی، هر موقعیتی را رعایت کنیم.

خود نماز پنج‌موقع، پنج ساعت است. برای این پنج ساعت گذاشتند، که در واقع همیشه به یاد خدا باشیم و اینکه می‌گویند نماز صبح یا هر نمازی اول وقت باشد، یک جنبه‌ی معنوی دارد و جنبه‌ی معنوی آن، این است که در واقع مثل اینکه ما اشتیاق داریم به اینکه زودتر به درگاه خدا برویم، نماز بخوانیم، نیاز بگیریم. علامت این اشتیاق این است که تا در باز شد، مثل خیلی‌ها در زندگی عادی دیدیم پشت در می‌ایستند در صف‌های طولانی که تا در باز شود همان اول وارد شوند. ما هم پشت این در ایستادیم تا این در را خداوند باز کند و بگوید: من شما را می‌پذیرم، این ساعت نیاز است، ساعت نماز است. فوری خودش را بیندازد یعنی چه؟ یعنی اول وقت نماز بخواند. البته واجب نیست، همه‌ی آنهایی که پشت در ایستادند و مثلاً صف کشیدند، همه‌شان به بارگاه می‌آیند اما آن کسی که این کار را کرده، گاهی هم ممکن است دستش درد کند، بشکند ولی او در نزد خدا ماجورتر است.

همینطوری که در اسلام، در نماز یعنی نیاز به خداوند، خداوند نظم قائل است و ساعت معین کرده. حتی در بدن ما مثلاً تایمر گذاشته که سر آن تایم بدن گرسنه می‌شود، تشنه می‌شود، خوابش می‌آید، همه‌ی تمایلاتش. بنابراین در مسأله‌ی ازدواج هم همینطور کرده. در بشر شاید برای این بوده که آزمایش دقیق‌تر انجام بشود، بشر را تقسیم کرده. در حیوانات شما اگر خودتان گوسفنددار نباشید، در گله‌ای صد تا بز دیدید، نمی‌فهمید کدامشان نر است، کدام ماده است؛ مگر ببینید دارد شیر می‌دهد، می‌گویید آن ماده است، و الا نمی‌دانید. اما در انسان نه، این تغییر را آفریده منتها این تغییر برای این است که وظایفی که هر یک از طرفین برای اجتماعشان دارند، آن وظایف مشخص باشد و خداوند هم صریحاً می‌گوید. چون خداوند بشر را به منزله‌ی خلیفه‌الله فرمود که *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* (سوره بقره، آیه ۳۰)، به منزله‌ی خلیفه‌ی خودش آفریده، از این خلیفه بعد باید به درگاه خودش برسند. این است که خیلی‌ها هم معتقدند که در بشر بعد از فوتش، به درگاه خدا هم می‌رود و مستقیم در ارتباط است. به عکس حیوانات دیگر که بعضی‌ها را اصلاً طرد می‌کند، بعضی‌ها را در آتش می‌اندازد ولی اینها را آفریده، می‌فرماید: *إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا* (سوره حجرات، آیه ۱۳) شما را آفریدیم مثل اینکه از یک زنی یا مردی آفریدیم. حالا اینجا معنی آن، این است که یا از یک زن و مردی شما را آفریدیم، (یک زن و مردی با هم ازدواج کردند) یا اینکه شما را یا زن و یا مرد آفریدیم، فرق نمی‌کند و بعد هم شما را قبائل و قبیله‌ها و خانواده‌هایی قرار دادیم. در حیوانات، خود حیوانات هیچ قبیله ندارند. اگر دارند، آنها جداست یعنی نوع خاصی هستند ولی آنی که عین این است، ندارد. اما بشر نه! دو تا بشر، یک بشر آسیایی و یک بشر آفریقایی، (البته در یک سن، هر دو یک

مرحله) نگاه کنید، تمام اعضای بدنشان همه چیزشان یک طور است. بعد می گوید این را خیال نکنید که وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ یعنی هر کدامتان بگویید که من نژاد خودم بالاتر از توست، لَتَعَارَفُوا. می گوید پس چرا این کار را کردید؟ برای اینکه هم را بشناسید. وقتی شما مثلاً یک آشنایی دارید به اسم «زینب»، وقتی که صدا می زنید: زینب! معلوم می شود این زینب، کدام زینب است. «لَتَعَارَفُوا» برای این است که شناخته بشوید.

این وضعیت خاصی است که خداوند برای بشر آفریده یعنی تفاوت بشر با حیوانات را خودتان می بینید دیگر، محتاج به جزو و بحث هم نیست. می بینید که تفاوت اینها چیست. البته بشر خودش تعلیم خاصی هم که نبیند، همان فطرتش به او یک چیزهایی یاد می دهد. بعضی حیوانات را هم در اختیار بشر گذاشته، به بشر گفته است که تو بر همه ی اینها حکومت داری، برتری داری. بشر می تواند هر چیزی را، هر حیوانی را تا یک حدی که امکان دارد، تربیت کند ولی هیچ حیوانی نمی تواند بشر را تربیت کند. استثنائی که در این وارد می کنند، می گویند اگر دیده باشید گیاهانی که در منزل دارید، شته می زند، شته یک حیوان کوچک ریزی است که روی درخت می نشیند و شیرهی درخت را می مکد. آنقدر هم زیاد می مکد که بعد خودش یک مقداری را دفع می کند. یک مورچه هایی هستند که می آیند یکی، دو تا شته می گیرند، می آورند روی گیاه می گذارند. این شیرهی گیاه را می مکد، هم خودش بزرگ می شود و چند تا نسل می آورد و هم اینکه این مورچه از آن شیرهی گیاه استفاده می کند. این را هیچکس یادشان نداده، از اول هم همینطور بودند. چند هزار سال شاید همه همینطور بودند. به هرجهت در اساس خلقت و آثار خلقت دقت کنید، در تمام اینها نشانه و آیات خداوند را احساس می کنید. هر خود انسانی هم خودش یکی از نشانه های خلقت و قدرت خداست. ان شاء الله به ما آن چشمی را بدهد که این چیزها را ببینیم. ان شاء الله که سالیان (نه سال خوب فقط) سالیان دراز به خوبی و خوشی زندگی کنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، ۱۳۹۴/۱/۵)

**بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پندصلح / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تفریحی، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده های از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده های از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه ی پاسخ به نامه ها) / مجموعه دستور العمل ها و بیانیه ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه ی مصاحبه ها) منتشر شده است.**

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEH121.COM](http://WWW.JOZVEH121.COM) اقدام فرمایید.